

دلگرمی تیم ملی از حمایت‌های رئیس‌جمهور

سیاسیون ایران سابقه خوبی در صحبت کردن در باره فوتبال ندارند، اما حسن روحانی رئیس‌جمهور هفته گذشته یک سخنرانی ده‌دقیقه‌ای برای فوتبالیست‌های تیم ملی کرد که همه را به تعجب واداشت. رئیس‌جمهور به رکوردهای تیم ملی بسیار مسلط بود و در میان صحبت‌هایش به نقش مهم تیم ملی در همبستگی ملی اشاره کرد. او به بازیکنان گفت ضربان قلب یک ملت ۸۰ میلیونی در اختیارشان است. همین گفته او سبب شد که کی‌روش شعار تیم ملی را «۸۰ میلیون، یک ملت و یک ضربان قلب» انتخاب کند. نکته ویژه برای کی‌روش تعریف رئیس‌جمهور از بازی ایران و آرژانتین بود که حسایی کی‌روش را خوشحال کرد و تحت تأثیر قرار داد.

یکشنبه ● ۲۸ خرداد ۱۳۹۶ ● شماره صد و هفت

ا ت ی چ ع ح ن و

روزگار

با حاشیه، بی‌حاشیه



کتیفو | ۱۵

مشکل والیبال ایران کولاکوویچ نیست!

تقدیم کردن دو ست به آرژانتین و شکست مقابل آمریکا همه را به مشکل تیم ملی والیبال واقف کرده است. مشکلاتی که سبب می‌شود تیم ملی والیبال ایران با نفرات اصلی نتواند در مقابل تیم ملی آمریکا با تغییرات گسترده پیروز شود و آرژانتین جوان‌شده را راحت شکست دهد. اما در میان کارشناسی‌ها مسیر تعیین مشکل کمی ایراد دارد. یعنی پیکان انتقادها در حالی به سمت سرمربی تیم ملی والیبال است که در شرایط حاضر او کمترین تقصیری در شرایط به‌وجودآمده ندارد. واقعیت این است که ما در والیبال مشکلات عدیده داریم که از گذشته تا امروز حل‌نشده باقی مانده‌اند مثلاً برخی ستاره‌های تیم ملی والیبال ایران هنوز که هنوز است مشکلات تکنیکی دارند. محمد موسوی یکی از بهترین سرعتی‌زن‌های حال حاضر دنیاست که هر تیمی آرزوی دانش‌تنش را دارد، اما او مشکل بزرگی در سرویس زن دارد. فکر کنید بازیکنی در این سطح پس از این همه مدت بازی در سطح جهانی باید سرویس‌های غیرقابل‌مهار بزند! بازیکنی مانند شهرام محمودی که استثنای والیبال است پشت‌خط‌زنی است که می‌تواند توپ‌ها را سر عتی بزند، اما او هم در مشکلات سیستماتیک تیم ملی سهمیم است، مشکلاتی که ناشی از اشتباهات در مدل استفاده از بازیکنان در همه مسابقات بوده. محمودی حالا تصمیم به کناره‌گیری گرفته و معلوم نیست اصلاً به تیم ملی باز گردد. تیم ملی ایران در روزگاری براساس سیاست‌های فدراسیون تصمیم گرفت به موفقیت بزرگ دست پیدا کند. ایران در مسیر موفقیت بزرگ یک‌سری قواعد سیستماتیک را رعایت نکرد و به شوت‌ونه‌سازی نپرداخت و حالا به اینجا رسیدیم. استفاده از همه بازیکنان در همه تورنمنت‌ها، داشتن یک ترکیب اصلی بدون تغییر و... همه اثر این سیاست‌ها بوده است. سیاست‌هایی که البته برای برتدسازی تیم ملی والیبال لازم بودند اما حالا نیاز به تغییر دارند. فدراسیون حالا با انتخاب سرمربی جدید نشان داده که نیاز به تغییرات در سیستم را حس کرده است. شاید برخی دوستان به‌اشتباه کولاکوویچ را با کواج مقایسه کنند اما این دو قابل قیاس نیستند. اول اینکه کواج هم از نظر فنی مربی بدی نبود، او گزینه سرمربیگری تیم ملی والیبال صربستان بود، بازیکن نام‌آشنای والیبال که تنها به خاطر اخراج از تیم ملی والیبال ایران به پست سرمربیگری صربستان نرسیده. اما کولاکوویچ ۸ سال مربی تیم ملی والیبال صربستان بوده و سابقه‌اش نشان می‌دهد که انتخاب خوبی است. تیمی که امروز از صربستان در لیگ جهانی شرکت می‌کند و در رتبه‌های بالایی جدول و شانس قهرمانی است همان تیمی است که در ۸ سال گذشته کولاکوویچ آن را ساخته و تحویل داده است. او اتفاقاً در دوران گذار به‌خوبی از ستاره‌های نامی گذشته و بازیکنان جوان را جایگزین کرده است. شاکله اصلی تیم صربستان که سال قبل قهرمان لیگ جهانی شد تیم نوجوانان ۲۰۰۹ این کشور است. تیمی که آن روزها از تیم ایران شکست خورده بود. شاید بد نباشد بدانید که تیم ملی نوجوانان ایران در سال ۲۰۰۷ قهرمان جام جهانی شدو بازیکنانی که امروز در تیم‌های مطرح حضور دارند همان بازیکنانی هستند که در شکست‌ها سهمیم بودند. ما در آن جام فرانسه و لهستان را شکست دادیم. بازیکنان آن روزهای این تیم‌ها امروز در ترکیب اصلی تیم هستند اما در ایران فقط فرهاد قائمی به تیم اصلی رسیده است. حالا اصلاح سیستماتیک در دستور کار فدراسیون والیبال قرار گرفته و سراغ مربی‌ای رفته‌اند که بتواند بازیکنان جوان را جایگزین کند. البته جایگزینی بازیکنان جوان اتفاقی است که از ابتدا باید توسط فدراسیون حمایت شود. تیم‌های جوانان و نوجوانان ایران در سال جاری در گیر مسابقات جهانی بودند و کولاکوویچ نتوانست از آنها استفاده کند. به هر حال ما پس از چندین سال حضور ملوم در لیگ جهانی حالا به جایی رسیدهایم که می‌توانیم از پشتوانه‌هایمان استفاده کنیم. برند تیم ملی والیبال ایران ساخته شده است و زیر سایه همین برند تیم دوم ایران توانست تیم لهستان را به‌راحتی شکست دهد. فقط کمی زمان لازم است و کمی حمایت. فدراسیون با انتخاب کولاکوویچ پا در مسیر درستی گذاشته. ایران با بازیکنان فعلی‌اش از جایی که هست بالاتر نخواهدرفت. بازیکنان خسته و اشباع شده‌اند و تیم به خون جدیدی نیاز دارد. این خون جدید فقط از مسیر مربی‌ای که ۸ سال کارش همین بوده به دست می‌آید. البته همچنان خولیو ولاسکو مربی تکرارنشدهی والیبال دنیاست، اما فقط یک ولاسکو داریم و او سرمربی تیم ملی آرژانتین است. باید دلبستگی و وابستگی ذهنی به او را رها کرد. ما در والیبال استعداد‌های خوبی داریم و کولاکوویچ استعدادیاب خوبی است. مسابقات لیگ جهانی آینده را باید به جوان‌گرایی اختصاص دهیم و بازیکنان بالغ‌تره را به تیم اضافه کنیم. بازیکنانی که ضعف‌های تکنیکی کمتری دارند و می‌توانند تیم ملی را به‌مراتب بالاتری برسانند.

است، چون ایران در آزادی فقط پیروز می‌شود.»

ترکیب اصلی‌ات را پیدا کن

ترکیب اصلی تیم ملی ایران را بنویسید. این کار را هیچ‌کس نمی‌تواند انجام دهد. کارلوس کی‌روش سرمربی تیم ملی ایران از نیمه‌های مرحله دوم مقدماتی جام جهانی دست به تغییرات گسترده در ترکیب تیم ملی ایران زده و جالب است بدانید که ایران یک سال و نیم است که در هیچ بازی شبیه بازی دیگر نبوده است. کی‌روش در این مسابقات از ۲۲ بازیکن در ترکیب اصلی استفاده کرده است. این آمار عجیب‌وغریب از تیم ملی ایران یک تیم رموز ساخته. تیمی غیرقابل‌پیش‌بینی و تحلیل. حالا جالب است بدانید که ایران در این بازی‌ها از ۴ تا ۵ تاکتیک متفاوت هم استفاده کرده است. یعنی نه‌تنها بازیکنان متغیر که سیستم متغیر! ایران به‌خوبی بلد است دفاع کند، حمله کند، ضدحمله بزند یا توپ را روی زمین بچرخاند. این کیفیتی است که کی‌روش با تغییرات در ساختار به تیم ملی هدیه داده است.

مرد برنده

شاید می‌شد اولین مورد همه تغییرات، همین آقای سرمربی باشد. مردی همیشه برنده. مردی که در همه ۶ سال حضورش با ضرب‌وزور، دادوفریاد، جنجال و حتی گاهی هوچی‌گری خودش و تیم ملی را بالا کشیده است. تیم ملی ایران تحت هدایت کی‌روش حالا مدت‌هاست از فوتبال آسیا خودش را جدا کرده. نگاهی به جدول دو گروه مسابقات مقدماتی جام جهانی بیندازید، شرایط مشخص‌تر می‌شود. ایران با ۲۰ امتیاز صعود کرده، اما کره و ازبکستان با ۱۳ و ۱۲ امتیاز منتظر بازی‌های بعدی‌اند. در گروه دیگر هم ژاپن ۱۷ امتیاز دارد و عربستان و استرالیا ۱۶ امتیاز، و هنوز معلوم نیست که کدام‌یک به جام جهانی می‌رسند. این شرایط را ایران در کنار بازیکنانش مدیون یک مرد برنده است. یک مرد برنده عصبانی که این روزها و این تیم خوب را برپایمان ساخته است.

اصلاح نژادی هم شده‌اند. کی‌روش اصرار زیادی دارد که از بازیکنانی با قدهای بلندتر در زمین استفاده کند. تیم ملی ایران در بازی با ازبکستان با معدل سنی ۲۵ سال به زمین رفت و معدل قد ۱۸۷. بازیکنانی که همه‌ه از این فوتبال به اروپا راه پیدا کرده‌اند. بازیکنانی که در فوتبال ایران رشد کرده‌اند و حالا بزرگ‌تر هم می‌شوند.

شکست‌ناپذیر

تیم ملی فوتبال ایران حالا یک برند شده. یک برند دست‌نیافتی در فوتبال آسیا. سه سال است تیم ملی ایران در بالای رنکینگ فیفا در آسیاست و بعید است تا جام جهانی از این رتبه پایین بیاید. این آمار همه و همه به خاطر بازی‌های درخشانی است که در مسابقات رسمی در آسیا به انجام رسیده. تیم ملی ایران آخرین بار در مقدماتی جام جهانی ۲۰۱۴ در تهران از ازبکستان شکست خورده و از آن روز تا به حال هیچ شکستی در جریان ۹۰ دقیقه بازی در بازی‌های رسمی نداشته است.

ایران یک‌بار در جام ملت‌های آسیا به عراق باخته که البته آن در ضربات پنالتی بوده. یعنی ۴ سال است هیچ تیمی در آسیا ایران را شکست نداده و جالب است بدانید ایران در این مدت با ژاپن، کره‌جنوبی و ازبکستان هم بازی کرده. برند تیم ملی ایران حالا اینقدر بزرگ شده که سایت ازبکستانی پس از پیروزی ۲-۰ ایران در آزادی بنویسد: «این ورزشگاه قتل‌گاه همه رقبای ایران

البته در روزهای اول شامل بازی کاملاً دفاعی ایران بود. یک بازی دست‌بسته که حالا در پایان سه سال تکامل پیدا کرده است. ایران در ۸ بازی مقدماتی جام جهانی هیچ گلی دریافت نکرده و این در حالی است که در هر بازی فقط یک شوت به دروازه ایران شده است. یعنی این سپر اینقدر کامل شده که اجازه شوت زدن هم به حریف نمی‌دهد. اما آمار عالی است؛ ۶ بازی، ۶ پیروزی، و ۲ تساوی. ۲ پیروزی مقابل ازبکستان، ۲ پیروزی مقابل قطر، یک پیروزی مقابل کره‌جنوبی، و یک پیروزی مقابل چین. در هر بازی یک گل زده، بدون گل خورده، مختصر و مفید.

یک نیمکت پرویمان

جام جهانی را یادتان هست؟ ایران یک مدافع داشت به نام بیت‌آشور که او را از آمریکا قرض گرفته بود، یک دژاگه که او را از آلمان همراه داشت و یک قوچان‌نژاد که او را هم از فوتبال اروپا بیرون کشیده بود. ایران یکی از تیم‌های پرسن‌وسال حاضر در مسابقات بود که بازیکنانش ایرانی اما عاریه‌ای بودند. حالا تیم ملی ایران هم دژاگه را دارد و هم قوچان‌نژاد را، اما هر دو روی نیمکت می‌نشینند. کارلوس کی‌روش در هر خط بازیکنان جوان را جایگزین کرده. از محمدی و پورعلی‌گنجی در دفاع بگیر تا عزت‌اللهی و کریمی در میانه، و طارمی و آزمون و جهانبخش در خط حمله. این وسط ایمن نیروی جوان انگار



مهدی شادمانی

shadmanimehdi@gmail.com

|||||

لا به‌لای بازی آرژانتین و تک‌به‌تک دژاگه و رخو، وقتی عادل فردوسی‌پور می‌گفت «چقدر خوبیم ما!» حتما باورش نمی‌شد که دقیقاً سه سال بعد تیم ملی ایران به جایی برسد که نمایش مقابل آرژانتین هیچ باشد. تیم ملی ایران برابر غول‌های فوتبال جهان نمایشی خیره‌کننده داشت. همان تیمی که چند هفته بعد به فینال جام جهانی رسید و یک بر صفر به آلمان باخت. دقیقاً همین روزها بود. ۳۱ خرداد ۱۳۹۳. تیم ملی ایران با سرمربیگری کی‌روش در روز آخر به جام جهانی رسیده بود و در دیدار اول یک امتیاز از نیجریه به دست آورده بود. تیمی که مقابل آرژانتین در دفاع و ضدحمله عالی بود و اگر اشتباه داور صربستانی نبود شاید حتی فینالیست را هم شکست داده بود. از آن روزهای اوج فوتبال ایران، همان روزهای افتخار یک توپ از پای مسی گوشه دروازه ایران نشست تا امروز که فوتبال ایران جایگاهش را پیدا کرده. تیمی شده بی‌رقیب در آسیا که به‌عنوان تیم دوم پس از برزیل به جام جهانی رسیده. تیمی که شاید بد نباشد با هم مرور کنیم چرا اینقدر خوب است. یک مقایسه ساده از سه سال قبل تا امروز.

سپر فولادی

مهم‌ترین مشخصه تیم ملی سپر فولادی است که کی‌روش مقابل دروازه تیم ملی ساخته است. سپری باورنکردنی که در طول سه سال اخیر به تکامل رسیده است. تیم ملی ایران پس از جام جهانی تا امروز ۲۹ بازی رسمی و غیررسمی انجام داده و در جریان این بازی‌ها فقط ۱۴ بار دروازش باز شده است. این آمار در شرایطی است که ایران نزدیک به نیمی از این گل‌ها را در بازی مقابل عراق که ۱۲۰ دقیقه بود و ایران ده نفره بوده دریافت کرده، و بازی دوستانه با تیم ملی سوئد. این سپر آهنی

ژانویه دید

تیم ملی فوتبال ایران حالا یک برند شده. یک برند دست‌نیافتی در فوتبال آسیا. سه سال است تیم ملی ایران در بالای رنکینگ فیفا در آسیاست و بعید است تا جام جهانی از این رتبه پایین بیاید. این آمار همه و همه به خاطر بازی‌های درخشانی است که در مسابقات رسمی در آسیا به انجام رسیده. تیم ملی ایران آخرین بار در مقدماتی جام جهانی ۲۰۱۴ در تهران به ازبکستان شکست خورده و از آن روز تا به حال هیچ شکستی در جریان ۹۰ دقیقه بازی در بازی‌های رسمی نداشته است.

کاوه رضایی



در سال جام جهانی، مهاجم اول استقلال به جای اینکه مسیر پول درآوردن را انتخاب کند مسیر بازی کردن در اروپا را پیش گرفت. او با هزینه‌ای نصف آن چیزی که در استقلال گیرش می‌آمده شارلوا رفت. او حالا چشمانش به دهان کارلوس کی‌روش است، تا با حضور در اروپا به تیم ملی برسد.

شایان مصلح



پسر فوتبال رشت این هفته به تهران آمد و قراردادش را با پرسپولیس امضا کرد. این عکس‌ها مربوط به خداحافظی‌اش از تیم سپیدرود و هوادارانش است. او در این خداحافظی حسایی اشک ریخت و حالا به دنبال رسیدن به تیم ملی در پرسپولیس بازی خواهد کرد.

سجاد شهباززاده



سجاد سال قبل مهاجم اول آبی‌ها بود که به‌ترکیه رفت. اما اوضاع برایش خوب پیش نرفت. شهباززاده حالا به استقلال بازگشته تا جایش را به‌نوعان مهاجم اول آبی‌ها پس بگیرد. باید دید در پایان سال کار کدام‌یک به نتیجه می‌رسد. شهباززاده یا کاوه رضایی.